



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة  
والتسلیم

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



نهضت ترجمه و نشر علوم بیگانگان  
در زمان حضرت رضا علیه السلام  
و پیامدهای آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهضت ترجمه و نشر علوم بیگانگان در زمان حضرت رضا علیه السلام و پیامدهای آن

نویسنده:

مشخص نشده است

ناشر چاپی:

کنگره جهانی حضرت رضا(ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	نهضت ترجمه و نشر علوم بیگانگان در زمان حضرت رضا علیه‌السلام و پیامدهای آن
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	اشاره
۸	آغاز ترجمه
۸	ادوار ترجمه
۹	روش‌های ترجمه
۹	مترجمان بزرگ
۱۰	مترجمان بزرگ در محضر حضرت امام رضا علیه‌السلام
۱۰	اشاره
۱۰	حنین ترجمان و رساله او
۱۱	مترجمان و حامیان در رساله حنین
۱۱	کوشش برای یافتن نسخه
۱۲	مقابله و اصلاح (ویراستاری)
۱۲	نسخ متعدد از ترجمه مربوط به سنین مختلف
۱۲	ترجمه مجدد بهتر از اصلاح ترجمه است
۱۲	ارزیابی کتابها هنگام ترجمه
۱۳	پی‌آمدهای ترجمه
۱۳	انحصار پزشکی به غیر مسلمانان
۱۴	جبهه گیری اهل سنت در برابر علوم بیگانه
۱۵	انزجار و احتراز از زبان و کلمات یونانی
۱۷	اعتذار

۱۷ ..... پاورقی

۱۸ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## نهضت ترجمه و نشر علوم بیگانگان در زمان حضرت رضا علیه السلام و پیامدهای آن

### مشخصات کتاب

(برگرفته از کتاب مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام) عنوان و نام پدیدآور: مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام مشخصات نشر: [مشهد]: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، انتشارات، ۱۳۶۵ مشخصات ظاهری: ج. فروست: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام؛ ۲۲. وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری. یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد سوم، ۱۳۶۸. یادداشت: ص.ع به انگلیسی: A collection of the articles presented at the second world congress of Imam Reza (p. b. u. h). یادداشت: عنوان روی جلد: مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام ۱۳۶۵. ش. یادداشت: کتابنامه عنوان روی جلد: مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام ۱۳۶۵. ش. موضوع: علی بن موسی علیهما السلام، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. - - کنگره‌ها رده بندی کنگره: BP۴۷ / ک ۹ ۱۳۶۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۷ شماره کتابشناسی ملی: م ۶۶ - ۵۴۱

### مقدمه

### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم افتخار بزرگی نصیب این کمترین گشته که در این ارض اقدس و بلد مقدس در جوار مرقد حضرت ثامن الائمه و الحجج امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه آلاف التحية و السلام. امام هدی لله يعمل جاهدا ذخائره التقوی و نعم الذخائر امام سما للدين حتى آثاره و قد مح عنه الرسم و الرسم دائر عليم بما یاتی، ابی موفق مبير لاهل الجور، للحق ناصر [۱]. فرصت ایراد خطابه یافته‌ام و عرض سخنان ناچیز این حقیر در حضور علمای اعلام و فضلالی کرام همچون ران ملخی است که پیش حضرت سلیمان آورده شود و یا به قول شاعر: اهدی کمستبضع تمرا الی هجر او حامل وشی أبراد الی الیمن [صفحه ۲۵۰] هشتمین پیشوای شیعیان حضرت امام علی بن موسی بن جعفر علیه السلام مکنی به ابوالحسن و ملقب به الرضا بنا به روایتی در روز پنجشنبه یازدهم ذی‌قعدة سال صد و چهل و هشت هجری پا به جهان هستی نهاد و در روز دوشنبه سه روز به پایان ماه صفر مانده در سال دویست و سه رخت از این دنیای فانی بریست [۲] دوران زندگی پربرکت آن حضرت مصادف است با دورانی که هفت تن از خلفای بنی‌عباس بر ممالک اسلام حکومت داشته‌اند و اینان عبارتند از: ۱ - ابوجعفر عبدالله المنصور بن محمد، ۱۳ ذی‌الحجه ۱۳۶. ۲ - ابو عبدالله محمد المهدی بن المنصور، ۶ ذی‌الحجه ۱۵۸. ۳ - ابو محمد موسی الهادی بن المهدی، ۲۲ محرم ۱۶۹. ۴ - ابوجعفر هارون الرشید بن المهدی، ۱۶ ربیع‌الاول ۱۷۰. ۵ - ابو موسی محمد الامین بن الرشید ۳ جمادی الاخره ۱۹۳. ۶ - ابوجعفر عبدالله المامون بن الرشید ۲۶ محرم ۱۹۸. ۷ - ابراهیم المبارک بن المهدی، ۵ محرم ۲۰۲ [۳]. تحلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی این نیم قرن به عهده مورخان و جامعه‌شناسان است و بحث درباره‌ی اوضاع ادبی این دوره که از مهمترین ادوار پختگی نظم و نثر عربی به شمار می‌رود در کتب تاریخ ادبیات عرب به تفصیل یاد [صفحه ۲۵۱] شده پیشرفت علوم ادبی در این دوره در ارتباط با توجه و عنایت مسلمانان به علوم قرآن و حدیث بوده است و این علوم سیر تحول و تکامل خود را پیمود، چنانکه در قرن پنجم و ششم هجری به اوج ترقی و تعالی خود رسید و آنچه که در این گفتار ارائه می‌شود مسأله انتقال علوم یونانی به حوزه‌های علمی اسلامی است که به وسیله ترجمه صورت پذیرفته است. مسلمانان به استناد آیاتی همچون: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» [۴]. و احادیثی همچون: «اطلبوا العلم ولو بالصَّين» [۵]. ترغیب و تشویق شدند که از علومى که در بلاد دیگر است آگاهی و اطلاع یابند

و بدین وسیله منابع علمی خود را قوی‌تر و غنی‌تر سازند.

## آغاز ترجمه

چنانکه پس از این خواهد آمد امر ترجمه از دوره امویان آغاز شد و در دوره‌ی بنی‌عباس یعنی از زمان منصور تا عهد مامون به نهایت کمال خود رسید و مرکز این جریان علمی شهر مدینه‌السلام یعنی بغداد بوده است. مورخان اسلامی سیر علوم و فلسفه و انتقال آن را از آتن بدین نحو یاد کرده‌اند که فلسفه مدینه از سقراط و افلاطون و ارسطو آغاز شد و سپس به ثاوفرسطس و اودیمس و آیندگان آنان رسید و پس از آن مجلس تعلیم از آتن به اسکندریه از بلاد مصر منتقل گشت و در زمان عمر بن عبدالعزیز از [صفحه ۲۵۲] اسکندریه به انطاکیه و سپس به حران انتقال یافت. [۱۱]. و علت انتقال مجلس تعلیم از آتن به اسکندریه این بود که ظهور دعوت مسیح در بلاد روم موجب شد که همه‌ی ساکنان آن دیار مسیحی بشوند و در نتیجه گروهی از فلاسفه بزرگ در اسکندریه آشکار گشتند و همت بر نظر به کتب قدما گماشتند آنان همه کتابهای جالینوس را مختصر ساختند و از آنها جمل و جوامع بوجود آوردند تا حفظ و یادگیری آنها آسان گردد [۷]. مشهور چنان است که نخستین کسی که کتابهای یونانی را به زبان عربی برگردانید خالد بن یزید بن معاویه بود که علاقه فراوانی به کیمیا داشت. او که به حکیم آل مروان موسوم بود مردی عالم و فاضل بود و به علوم عنایت و همت و محبت می‌ورزید و چون توجهی خاص به علم صنعت یعنی کیمیا داشت فرمان داد تا گروهی از فیلسوفان یونان که در مصر ساکن بودند احضار شوند تا آنان کتابهای کیمیا را از یونانی و قبطی به عربی ترجمه کنند و این نخستین بار بود که در اسلام ترجمه از زبانی به زبان دیگر صورت می‌گرفت [۸]. ابن ابی‌اصیبعه در شرح حال ماسرجویه متطبب بصره می‌گوید که او کتاب اهرن (Heron) را از سریانی به عربی ترجمه کرد او مذهب یهودی داشت و محمد بن زکریای رازی در کتاب حاوی خود هر جا که گوید: «قال الیهودی» او را مورد نظر دارد و سپس از قول ابن جلجل نقل می‌کند که ماسرجویه در ایام بنی‌امیه بود و در زمان مروان وفات یافت او [صفحه ۲۵۳] کتاب اهرن را به عربی گزارش کرده است و این همان کتابی است که عمر بن عبدالعزیز در کتابخانه‌ها یافته و نزد خود آورده و در زیر جانماز خود نهاده بود و استخاره می‌کرد که آیا آن را برای انتفاع مسلمین در اختیار آنان قرار بدهد؟ تا پس از چهل روز مصمم شد که آن کتاب را در دسترس مسلمانان بگذارد. [۹]. از کسانی که بعدها به آوردن کتب از روم عنایت ورزیده‌اند محمد و احمد و حسن فرزندان شاکر منجم‌اند که حنین بن اسحق و دیگران را به روم اعزام داشتند و آنان با خود کتابهای طریف و مصنفات غریب در فلسفه و هندسه و موسیقی و ارثماطیقی (Arithmetic) و طب آوردند. [۱۰]. ابن ندیم در فهرست خود اسامی مترجمان از زبان یونانی و سریانی و فارسی و هندی و نبطی به عربی را ذکر کرده است [۱۱].

## ادوار ترجمه

دانشمندان سیر تحول ترجمه و تاریخ آن را در زمانی که مورد بحث ماست یعنی در دوره بنی‌عباس به سه دوره‌ی متمایز تقسیم کرده‌اند: دوره‌ی اول از خلافت ابوجعفر منصور تا وفات هارون‌الرشید یعنی از ۱۳۶ تا ۱۹۳ هجری و طبقه‌ی اول از مترجمان در این دوره می‌زیسته‌اند. از جمله یحیی بن بطریق مترجم مجسطی که در روزگار منصور می‌زیسته و جرجیس بن جبرائیل طبیب که در سال ۱۴۸ در قید حیات بوده و عبدالله بن [صفحه ۲۵۴] مقفع که در سال ۱۴۳ در گذشته و برخی از کتابهای منطقی ارسطو را ترجمه کرده است و یوحنا بن ماسویه که در ایام رشید بوده و متوکل را نیز درک کرده و عنایت او بیشتر به کتابهای پزشکی بوده است و سلام ابرش که در ایام برامکه بوده و همچنین باسیل مطران. دوره دوم از حکومت مامون یعنی ۱۹۸ تا ۳۰۰ است و این دوره طبقه‌ی دوم از مترجمان است از جمله یوحنا بن بطریق و حجاج بن مطر که در ۲۱۴ می‌زیسته و قسطا بن لوقا بعلبکی که در سال ۲۲۰ زندگی



می‌کرده و عبدالمسیح بن ناعمه حمصی که در سال ۲۲۰ در قید حیات بوده و حنین بن اسحق که در سال ۲۶۰ و یا ۲۶۲ در گذشته و پسرش اسحق بن حنین که در سال ۲۹۸ وفات یافته و ثابت بن قره حرانی که در ۲۸۸ از دنیا رفته و حبیب بن الحسن معروف به حبیب اعسم خواهرزاده حنین که در سال ۳۰۰ وفات کرده است و در این دوره کتابهای بقراط و جالینوس و ارسطو و قسمتی از کتابهای افلاطون و تفاسیر این کتب ترجمه شده است. دوره سوم از سال ۳۰۰ هجری که تاریخ وفات حبیب است تا نیمه قرن چهارم و از مترجمان این دوره می‌توان از افراد زیر نام برد: متی بن یونس که تاریخ وفاتش مجهول است و مسلم آنست که او میان سنوات ۳۲۰ و ۳۳۰ در بغداد زندگی می‌کرده است و سنان بن ثابت بن قره متوفی ۳۶۰ و یحیی بن عدی متوفی ۳۶۴ و ابوعلی بن زرعه که از سال ۳۳۱ تا ۳۸۹ می‌زیسته و هلال بن هلال حمصی و عیسی بن چهار بخت و اینان بیشتر به ترجمه کتب منطقی و طبیعی ارسطو و آثار مفسران ارسطو همچون اسکندر افرویدیسی و یحیی نحوی و مانند این دو اشتغال داشتند [۱۲]. [صفحه ۲۵۵] با توجه به کتاب هائی که بوسیله‌ی دانشمندان یاد شده ترجمه گردیده می‌توان حدس زد که همه آنها در یک درجه از قوت و ضعف بوده و روش آنان نیز از هم متمایز بوده است و این نکته‌ای بوده است که دانشمندان اسلامی متوجه آن شده‌اند.

### روش‌های ترجمه

مترجمان را در نقل کتابها به زبان عربی دو روش بوده است: یکی روش یوحنا بن بطریق و ابن ناعمه حمصی و دیگران و آن این بود که به کلمات مفرده یونانی و معنی مدلول آن نظر می‌افکندند و کلمه‌ای مفرد از زبان عربی که مرادف آن در دلالت بر آن معنی باشد انتخاب می‌کردند که کلمه‌ی یونانی به کلمه‌ی عربی تبدیل می‌گردید و با آن تبیین می‌شد و با پیوستن کلمات جمله‌ای عربی پدید می‌آمد. این روش از دو جهت نادرست است یکی آنکه در کلمات عربی کلماتی یافت نمی‌شود که برابر همه کلمات یونانی باشد از این جهت است که در خلال ترجمه بسیاری از الفاظ یونانی بصورت خود باقی مانده است و دیگر آنکه خواص ترکیب و روابط اسنادی یک زبان همیشه با زبان دیگر تطبیق نمی‌کند و نیز در استعمال مجازات که در هر زبانی موجود است خلل وارد می‌آید. و روش دیگر روش حنین بن اسحق و جوهری و دیگران است که محصول معنای جمله‌ای را در ذهن می‌آوردند و آن محصول معنا را طی جمله‌ای از زبان دیگر تعبیر می‌کردند و این روش درست‌تر است از این جهت است که کتابهای حنین بن اسحق نیازی به تهذیب ندارد مگر در علوم ریاضی که او مهارتی در آنها نداشت برخلاف کتابهای پزشکی و [صفحه ۲۵۶] منطق و طبیعی و الهی که ترجمه‌های او از این کت نیازی به اصلاح ندارد [۱۳]. چنانکه یاد شد در دوره‌ی مامون ترجمه از کتابهای بیگانگان به اوج تعالی و ترقی خود رسید چه آنکه او کتابخانه‌ای مخصوص را مرکز این امر قرار داده بود و همین است که به «بیت الحکمه» یا به قول بلعمی به «گنج خانه» مامون معروف گشته است بسیاری از دانشمندان و مترجمان در آنجا مشغول تحقیق و ترجمه بودند یحیی بن ابی منصور موصلی منجم صاحب رصد در زمان مامون و محمد بن موسی خوارزمی صاحب زیج از خازنان این بیت الحکمه بودند و همچنین احمد طیبی معروف به صنوبری و فضل بن نوبخت و بنو نوبخت از کسانی بودند که در آنجا به مطالعه و استنساخ و ترجمه و تالیف اشتغال داشتند [۱۴].

### مترجمان بزرگ

از میان پزشکانی که در این عصر از اهمیت بسیاری برخوردار بودند می‌توان از جبرئیل بن بختیشوع جندی شاپوری و یوحنا بن ماسویه نام برد. جبرئیل از مسیحیان نسطوری پزشک حاذقی بود که نه تنها طیب بلکه دوست و ملازم هارون گردیده بود چنانکه هر کس را حاجتی به هارون بود به او رجوع می‌کرد و پس از هارون بن خدمت امین و مامون درآمد در سال ۲۱۳ [صفحه ۲۵۷] وفات یافت [۱۵] یوحنا بن ماسویه از مسیحیان سریانی بود که هارون امور ترجمه کتب کهن را که مسلمانان از انقره و عموریه و

بلاد روم بدست آورده بودند به او واگذار کرده و نویسندگان و مترجمان ماهری در اختیار او گذاشته بود او هارون و امین و مامون را خدمت کرد و حنین بن اسحق از شاگردان و خدمت گزاران او بوده است [۱۶].

## مترجمان بزرگ در محضر حضرت امام رضا علیه السلام

### اشاره

ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری روایت کرده است که وقتی حضرت امام رضا علیه السلام از مدینه به طوس می آمدند در نیشابور در مجلس مامون با جماعتی از فلاسفه و متطببان همچون یوحنا بن ماسویه و جبرائیل ابن بختیشوع و ابن بهله هندی [۱۷] و دیگر کسانی که بحلیه فضل آراسته بودند گرد آمدند و سخن از طب و آنچه که به صلاح بدن می انجامد به میان آمد و وقتی که مامون در این باره از حضرت رضا علیه السلام سؤال کرد حضرت فرمود: برای من به مرور زمان تجربیاتی حاصل گشته که آن را برای امیر می نویسم و وقتی مامون استدعای انجام و عد کرد حضرت کتابی را درباره‌ی امور پزشکی نوشتند [صفحه ۲۵۸] و برای او فرستادند و وقتی مامون آن را خواند فرمان داد تا آن را با طلا بنویسند و به «رساله‌ی ذهبیه» موسوم گردانند [۱۸]. از اینکه نام جبرائیل و یوحنا در مقدمه‌ی رساله‌ی ذهبیه آمده و همچنین چنانکه پس از این خواهد آمد نام هر دو به عنوان فرمان دهنده و درخواست کننده ترجمه‌ها بوسیله حنین بن اسحق یاد شده می توان حدس زد که هر دو از علمای طراز اول در علم پزشکی در دوره خود بوده و سمت استادی و مرشدی بر سایر پزشکان و حکیمان بیت الحکمه داشته‌اند.

### حنین ترجمان و رساله او

از این دو که بگذریم نام حنین بن اسحق شاگرد یوحنا بن ماسویه که به «حنین الترجمان» [۱۹] شهرت داشته است در راس سایرین قرار می گیرد حنین عالم به زبان عرب و فصیح در زبان یونانی بود او از بغداد به فارس رفت و ملازمت خلیل بن احمد [۲۰] را در سرزمین فارس اختیار نمود و کتاب العین خلیل را به بغداد آورد سپس متوکل او را برای ترجمه انتخاب کرد و او را امین این امر گردانید و نویسندگان و مترجمان زبر دستی در اختیار او [صفحه ۲۵۹] بودند که ترجمه آنان را حنین با زبانی و اصلاح می کرد مانند اصطفی بن بسیل و حبیش و موسی بن ابی خالد ترجمان و یحیی بن هارون. او یونانی را در اسکندریه آموخته بود و کتب بقراط و جالینوس را توضیح و تلخیص و مشکلات آنها را حل کرد [۲۱] او در سال ۲۶۰ (به قول ابن ندیم) یا ۲۶۴ (به قول ابن ابی اصیبعه) از دنیا رفته است. از حنین بن اسحق رساله‌ای در دست است که به علی بن یحیی نوشته و در آن آثار جالینوس را که به زبان سریانی و عربی ترجمه شده یاد کرده است. این رساله قدیم ترین فهرست اسلامی موجود و در عین حال نخستین کتابی است که اسلوب و روش ترجمه در اسلام در آن بطور دقیق و علمی ثبت و ضبط شده است. نسخه منحصر به فردی از این رساله در کتابخانه‌ی ایاصوفیه به شماره ۳۶۳۱ تحت عنوان: «رساله‌ی الی علی بن یحیی فی ذکر ما ترجم من کتب جالینوس بعلمه و بعض ما لم یترجم» موجود بوده و خاورشناس آلمانی Bergshtrasser آن را به زبان آلمانی ترجمه و با متن عربی آن را در سال ۱۹۲۵ به چاپ رسانده است [۲۲] حنین در این رساله صد و بیست و نه اثر از جالینوس را یاد می کند و در هر یک کیفیت فراهم آوردن نسخه و ترجمه و مقابله و تهذیب و اصلاح کتاب را یاد و نیز نام مترجم را با ارزیابی علمی از کارش و همچنین نام کسانی را که ترجمه به خواهش و تشویق و حمایت آنان صورت پذیرفته در رساله می آورد. چنان که یاد شد چون رساله [صفحه ۲۶۰] حنین کهن ترین سند موجود درباره‌ی دوره‌ی ترجمه‌ی علوم و فنون در اسلام است و مطالبی در آن است که در هیچ جای دیگر یافت نمی شود نام کسانی که در رساله آمده به ترتیب الفبائی با قید اینکه مترجم یا مشوق و یا اصلاح کننده کتاب بوده‌اند یاد می شود و شماره‌های

پس از نام‌ها ارجاع به ترجمه فارسی این رساله است و نشان دهنده‌ی اینکه هریک در چند مورد مباشرت و مشارکت در ترجمه داشته‌اند.

### مترجمان و حامیان در رساله حنین

ابراهیم بن الصلت، مترجم عربی و سریانی، ۳۹۹ / ۳۹۸ / ۳۹۵ / ۳۹۵ ابراهیم بن محمد بن موسی، مشوق و حامی، ۴۰۴ ابن شهدا از اهل کرخ، مترجم سریانی، ۳۷۲ / ۳۷۱ ابوالحسن علی بن یحیی - علی بن یحیی ابوجعفر بن موسی - محمد بن موسی ابوالحسن احمد بن موسی، مشوق و حامی، ۴۱۰ / ۴۰۶ / ۴۰۵ / ۴۰۳ / ۴۰۲ / ۴۰۰ / ۳۹۶ / ۳۹۵ / ۳۹۳ / ۳۹۲ / ۳۹۰ / ۳۸۰ / ۳۷۸ / ۳۷۰ ابوموسی بن عیسی کاتب، مشوق و حامی، ۴۰۲ احمد بن محمد معروف به ابن المدبر، مشوق و حامی، ۴۰۴ اسحق بن حنین، مترجم عربی و مشوق و مقابل، ۴۱۵ / ۴۱۴ / ۴۱۲ / ۴۱۱ / ۴۰۳ / ۴۰۰ / ۳۹۵ / ۳۹۱ / ۳۸۹ / ۳۷۰ اسحق بن ابراهیم طاهری، مشوق و حامی، ۳۹۹ اسحق بن سلیمان، مشوق و حامی، ۴۰۸ / ۴۰۰ / ۳۷۶ اسحق بن یحیی، مترجم، ۴۰۸ [صفحه ۲۶۱] اسرائیل بن زکریا معروف به طیفوری، مترجم، ۳۷۸ اصطفن بن باسیل، مترجم عربی و مقابل و مصلح، ۳۹۹ / ۳۹۴ / ۳۸۹ / ۳۸۸ / ۳۸۷ / ۳۸۷ ایوب رهاوی معروف به ابرش، مترجم سریانی، ۴۱۴ / ۴۱۳ / ۴۱۰ / ۴۰۸ / ۴۰۶ / ۳۹۹ / ۳۹۸ / ۳۹۶ / ۳۹۵ / ۳۹۴ / ۳۹۳ / ۳۹۱ / ۳۹۰ / ۳۸۷ / ۳۸۶ / ۳۸۵ / ۳۸۴ / ۳۸۳ / ۳۷۹ / ۳۷۲ / ۳۷۰ بختیشوع بن جبرئیل، مشوق و حامی، ۴۱۲ / ۴۱۰ / ۴۰۳ / ۴۰۱ / ۴۰۰ / ۳۹۶ / ۳۹۴ / ۳۸۲ / ۳۷۸ / ۳۷۵ / ۳۷۰ ثیادوری اسقف کرخ، مشوق و حامی، ۳۷۸ ثیوفیل رهاوی، مترجم سریانی، ۴۰۳ تومای رهاوی، مترجم، ۴۱۲ راسی (راس العینی)، مترجم، ۳۷۹ ثابت بن قره، مترجم عربی، ۴۱۱ / ۴۰۰ / ۳۷۶ جبرئیل بن بختیشوع، مشوق و حامی، ۴۱۱ / ۳۸۹ / ۳۸۳ / ۳۸۰ / ۳۷۹ / ۳۷۶ حبیش بن الحسن، مترجم عربی، ۴۱۵ / ۴۱۳ / ۴۱۱ / ۴۱۰ / ۴۰۷ / ۴۰۳ / ۴۰۱ / ۴۰۰ / ۳۹۳ / ۳۹۲ / ۳۹۰ / ۳۸۹ / ۳۸۸ / ۳۸۶ / ۳۸۵ / ۳۸۴ / ۳۸۲ / ۳۷۹ / ۳۷۸ / ۳۷۷ / ۳۷۴ / ۳۷۱ حنین بن اسحق، مترجم در موارد عدیده و مقابل و مصلح، ۴۱۵ / ۴۱۴ داود متطبب، مشوق و حامی، ۴۱۳ / ۴۱۲ / ۳۷۰ سرجس، مترجم سریانی، ۴۰۷ / ۴۰۴ / ۴۰۱ / ۴۰۰ / ۳۹۹ / ۳۹۸ / ۳۹۴ / ۳۹۳ / ۳۹۱ / ۳۸۱ / ۳۸۰ / ۳۷۸ / ۳۷۷ / ۳۷۵ / ۳۷۶ / ۳۷۳ / ۳۷۲ سلمویه، مشوق و حامی، ۴۰۷ / ۴۰۴ / ۳۹۳ / ۳۹۲ / ۳۹۱ / ۳۸۹ / ۳۸۲ / ۳۷۳ / ۳۷۲ شیریشوع بن قطرب، مشوق و حامی، ۳۷۱ عبدالله بن اسحق، مشوق و حامی، ۴۱۱ علی معروف به فیوم، مشوق و حامی، ۳۹۵ علی بن یحیی، مشوق و حامی، ۴۱۵ / ۴۰۸ / ۴۰۳ / ۳۹۳ / ۳۹۲ / ۳۷۷ / ۳۷۵ عیسی شاگرد حنین، مشوق و حامی، ۳۸۹ عیسی بن علی، مترجم عربی، ۴۱۵ / ۴۱۴ / ۴۱۳ / ۴۱۲ / ۴۱۱ / ۴۰۸ / ۴۰۶ / ۴۰۵ / ۴۰۴ / ۴۰۳ / ۴۰۲ / ۴۰۰ / ۳۹۹ / ۳۹۶ / ۳۹۴ عیسی بن یحیی، مترجم عربی، ۳۹۰ / ۳۸۹ محمد بن عبد الملک وزیر، مشوق و حامی، ۳۸۸ محمد بن موسی، مشوق و حامی، ۴۱۵ / ۴۱۴ / ۴۱۳ / ۴۱۱ / ۴۱۰ / ۴۰۷ / ۴۰۴ / ۴۰۱ / ۴۰۰ / ۳۹۸ / ۳۹۶ / ۳۹۱ / ۳۸۹ / ۳۸۸ / ۳۸۷ / ۳۸۶ / ۳۸۵ / ۳۸۱ / ۳۸۰ منصور بن ائاناس، مترجم سریانی، ۳۷۰ / ۳۷۱ / ۳۷۲ / ۳۷۳ / ۳۷۴ / ۳۷۵ / ۳۷۹ / ۳۷۹ / ۳۷۵ / ۳۷۴ / ۳۷۳ / ۳۷۲ / ۳۷۱ / ۳۷۰ یحیی بن بطریق، مترجم عربی، ۴۰۲ یحیی بن ماسویه، مترجم، ۴۰۱ یسع، مشوق و حامی، ۳۷۸ یوحنا بن بختیشوع، مترجم سریانی، ۴۰۲ یوحنا بن ماسویه، مشوق و حامی، ۴۱۳ / ۴۰۰ / ۳۹۳ / ۳۸۸ / ۳۸۷ / ۳۸۶ / ۳۸۳ / ۳۸۰ / ۳۷۹ / ۳۷۴ [صفحه ۲۶۳] یوسف خوری، مترجم سریانی، ۳۹۳ اکنون فقراتی چند از رساله حنین را نقل می‌کنیم و همین منقولات نشان می‌دهد که متجاوز از هزار سال پیش امر ترجمه در عالم اسلام کاملاً پیشرفته بوده و نظامی استوار و اسلوبی متقن و قواعدی منظم و ضوابطی مشخص داشته است.

### کوشی برای یافتن نسخه

در ذیل ترجمه «کتاب البرهان» جالینوس می‌گوید: «تاکنون کسی از اهل زمان ما نسخه‌ای کامل از آن را به یونانی بدست نیاورده با وجود اینکه جبرئیل همت زیادی به جستن آن گماشته است و من هم به جستن آن فراوان پرداختم و برای یافتن آن شهرهای جزیره

و شام و فلسطین و مصر را گشتم تا اینکه به اسکندریه رسیدم و چیزی از آن را نیافتم فقط در دمشق بود که به حدود نیمی از آن دسترسی یافتم که مقالاتی نامتوالی و ناتمام بود و جبریل هم مقالاتی از آن یافت که همه آنها عین مقالاتی که من یافته بودم نبود و ایوب آنچه را که او یافته بود برای او ترجمه کرد ولی من جانم آرام نمی‌یافت به ترجمه آن کتاب تا وقتی که خواندن آن را چنانکه باید کامل نکنم زیرا نقصان و اختلال در آن وجود داشت و من هم آرزومند و مشتاق به یافتن همه کتاب بودم. [۲۳].

### مقابله و اصلاح (ویراستاری)

در ذیل ترجمه‌ی «کتاب الفرق» جالینوس می‌گوید: [صفحه ۲۶۴] «این کتاب را پیش از من مردی بنام ابن شهیدا از اهل کرخ به سریانی ترجمه کرده بود و او در ترجمه بسیار ناتوان بود سپس آن را من در جوانی در سن بیست سالگی یا کمی بیشتر برای طیبی از اهل جندی شاپور بنام شیریشوع بن قطرب از نسخه‌ای یونانی که افتادگی بسیار داشت ترجمه کردم و بعد شاگرد من حبیش از من خواست که آن را اصلاح کنم در هنگامی که من به حدود سن چهل سالگی رسیده بودم. در این وقت من نسخه‌های متعددی از یونانی گرد آورده بودم که با یکدیگر مقابله کردم تا اینکه نسخه‌ای فراهم گردید و سپس نسخه سریانی را با این نسخه درست مقابله نمودم و چنین است عادت من در هرچه ترجمه می‌کنم» [۲۴].

### نسخ متعدد از ترجمه مربوط به سنین مختلف

در ذیل ترجمه «فی القوی الطبیعیه» جالینوس می‌گوید: «این کتاب را سرجس به سریانی ترجمه بدی کرده بود و سپس من آن را به سریانی برای جبریل به بختیشوع ترجمه کردم در حالی که کودکی بودم که هفده بهار از زندگی من گذشته بود و پیش از آن فقط یک کتاب را که پس از این یاد می‌کنم ترجمه کرده بودم. ترجمه این کتاب از نسخه‌های یونانی که افتادگی هائی داشت صورت پذیرفت سپس من نیک به تصفح آن پرداختم تا آنکه افتادگی‌ها را اصلاح کردم و پس از آنکه با به سن نهادم دوباره تصفح نمودم و افتادگی‌های دیگری را یافتم که اصلاح کردم. این امر را به تو اعلام داشتم برای آنکه اگر از ترجمه من از این کتاب [صفحه ۲۶۵] نسخه‌های مختلف یافتی سبب آن را بدانی» [۲۵].

### ترجمه مجدد بهتر از اصلاح ترجمه است

در ذیل کتاب «حیلۃ البرء» گوید «سلمویه از من درخواست کرد که این قسمت دوم (از حیلۃ البرء) را برای او اصلاح کنم و چنین می‌پنداشت که اصلاح آسان‌تر و بهتر از ترجمه است بدین منظور قسمتی از مقاله هفتم را با من مقابله کرد در حالی که نسخه سریانی در دست او و نسخه یونانی در دست من بود و او متن سریانی را بر من قرائت می‌کرد و هرگاه نکته‌ای از آن با متن یونانی مخالف بود من او را آگاه می‌کردم و او آن را اصلاح می‌نمود و بدان اندازه اصلاح کرد که دیگر کار بر او سخت آمد و برای او آشکار گشت که از نو ترجمه کردن آسان‌تر و درست‌تر و پیوستگی در آن استوارتر است لذا از من خواست تا آن مقالات را ترجمه کنم» [۲۶].

### ارزیابی کتابها هنگام ترجمه

در ذیل «کتابه فی التریاق الی بمفولیانس» گوید: «گمان می‌برم که در روزگار جوانی آن را ترجمه کرده‌ام همین قدر می‌دانم که آن را نادرست یافتم نمی‌دانم وراقان آن را فاسد ساخته‌اند و یا کسی خواسته است آن را اصلاح کند و افساد کرده است» [۲۷]. در ذیل «فی جوهر النفس ما هو علی رای اسقلیبیادس» گوید: [صفحه ۲۶۶] «من این مقاله را به سریانی برای جبریل ترجمه کردم در

وقتی که جوان بودم و به درستی آن ترجمه اطمینان ندارم زیرا آن را از روی یک نسخه که آن هم نادرست بود ترجمه کردم» [۲۸]. در ذیل «العلل و الاعراض» گوید: «این کتاب را سرجس به سریانی دو بار ترجمه کرده بود یک بار پیش از آنکه در مدرسه اسکندریه ورزیده گردد و بار دیگر پس از آن» [۲۹]. در ذیل «فی حیلۃ البرء» گوید: «این کتاب را سرجس به سریانی ترجمه کرده بود ترجمه شش مقاله اول در وقتی صورت گرفته بود که او در ترجمه ضعیف بود ولی هشت مقاله دیگر را هنگامی ترجمه کرد که مهارت کافی در ترجمه یافته بود بدین جهت است که ترجمه این هشت مقاله بهتر از ترجمه شش مقاله اول می‌باشد» [۳۰]. در ذیل «جمله کتابه الکبیر فی النبض» گوید: «من نمی‌پذیرم که جالینوس این مقاله را نوشته باشد زیرا مشتمل بر همه نیازمندیها در امر نبض نیست گذشته از اینکه مقاله خوبی هم نیست شاید جالینوس وعده داده که آن مقاله را بنویسد ولی آمادگی آن را نیافته و برخی از جاعلان دیده‌اند که او وعده کرده و وفای به وعد نمود آن مقاله را نوشته و نام آن را در فهرست آورده‌اند تا وعده او راست آمده باشد» [۳۱]. [صفحه ۲۶۷]

## پی‌آمدهای ترجمه

### انحصار پزشکی به غیر مسلمانان

چون مترجمان و ناقلان و مشوقان و حامیان بیشتر مسیحی بودند و حتی پزشکی در خانواده‌های خاصی از غیر مسلمانان همچون خانواده بختیشوع و حنین و ثابت بن قره موروثی گردیده بود مسلمانان مجال تبرز و تبحر در این علم را نمی‌یافتند و به انزوا کشانده شدند با توجهی که به پزشکان مذکور در ابن ابی اصیبعه می‌شود بدست می‌آید که در قرن سوم هجری ۱۳۰ پزشک مسیحی و ۳ پزشک یهودی و ۳ پزشک مشترک وجود داشته و پزشک مسلمان فقط ۵ تن بوده‌اند [۳۲]. و اگر پزشک مسلمان ماهری هم پیدا می‌شد در برابر مسیحیان نمی‌توانست آن چنان که باید و شاید جلوه کند و داستان زیر این مدعا را کاملاً تایید می‌کند: اسد بن جانی پزشک مسلمان کارش به کسادی کشید گوینده‌ای به او گفت: امسال سال وبائی است و بیماران فراوان و تو در این فن دانشمند و صبر و خدمت تو در این حرفه آشکار چگونه است که در این کسانی افتاده‌ای؟ او پاسخ داد: نخست من نزد آنان مسلمان هستم و پیش از آنکه من پزشک شوم بلکه پیش از آنکه من به دنیا بیایم مردم معتقد شده‌اند که مسلمانان در علم پزشکی توفیق ندارند. نام من «اسد» است در حالی که می‌باید نامم «صلیب» و «جبرائیل» و «یوحنا» و «بیرا» باشد. کنیه‌ام [صفحه ۲۶۸] ابو الحارث است و می‌باید «ابو عیسی» و «ابوزکریا» و «ابو ابراهیم» باشد. من ردائی پنبه‌ای سفید بر تن دارم و می‌باید ردایم حریر سیاه باشد. زبان من زبان عربی است و می‌باید زبانم زبان اهل جندی شاپور باشد [۳۳] و برخی از همین پزشکان غیر مسلمان چون مسلمانان را نیازمند به خود می‌دیدند آنان را نسبت به عقائد و افکارشان تحقیر می‌کردند و به آنان توهین روا می‌داشتند و داستان زیر این مطلب را تایید می‌کند: در روزگار هارون‌الرشید در بغداد مردی متطبب بود که مقبولیت عامه داشت او دهری بود ولی تظاهر می‌کرد که از اهل سنت است گروهی کثیر هر روز با قاروره های آب (مقصود بول است که نشان دهنده نوع بیماری است) بر او گرد می‌آمدند وقتی ازدحام فراوان می‌شد و برمی‌خاست و می‌گفت: ای گروه مسلمانان شما که می‌گویید زیان و سود فقط از خداست پس چرا نزد من می‌آئید و سود و زیان خود را از من می‌جوئید؟ بروید پیش خدایتان و توکل بر او کنید تا کردارتان مطابق گفتار تان باشد. برخی با این گفتار او را رها می‌کردند و درمان نشده تن به مرگ می‌دادند و برخی می‌ماندند تا او آرام گیرد و قاروره را به او نشان می‌دادند و او دارو می‌داد و می‌گفت: ایمان تو ضعیف است و گرنه توکل بر خدا می‌کردی همچنانکه تو را بیماری کرده همو تو را بهبود می‌بخشید [۳۴]. با چنین وضعی است که محمد بن ادریس شافعی پیشوای شافعیان می‌گوید: هیچ علمی پس از علم حلال و حرام (فقه) شریف‌تر از علم طب نیست و او افسوس می‌خورد از اینکه مسلمانان به این علم بی‌توجهی

[صفحه ۲۶۹] کرده‌اند و می‌گفت: ثلث علم را ضایع کردند و آن را به یهودیان و مسیحیان سپردند [۳۵].

### جبهه گیری اهل سنت در برابر علوم بیگانه

اهل سنت در برابر علوم یونانی واکنش سختی نشان دادند که از میان مهمترین آنان می‌توان از ابوحامد غزالی نام برد که تهافت الفلاسفه را رد بر فیلسوفان نوشت و آنان را تکفیر کرد، و همچنین از ابن تیمیه که الرد علی المنطقیین را نوشت و مبانی منطق یونان را سست جلوه داد، و سیوطی که صون المنطق و الکلام عن المنطق و الکلام را نوشت و پایه‌های علم کلام را که متکی بر استدلال فلسفی است متزلزل نشان داد. اینان می‌گفتند که فلاسفه مفاهیم قرآنی را با عبارات غیر قرآنی تعبیر کرده‌اند مثلاً آنان با لفظ توحید و واحد اراده چیزی را کرده‌اند که دارای صفت نیست و چیزی از آن دانسته و دیده نمی‌شود در حالی که توحیدی را که رسول خدا آورده متضمن این نفی‌ها نیست بلکه متضمن اثبات الوهیت خدای یگانه است به اینکه گواهی شود که خدائی جز او نیست و فقط باید به او توکل کرد و دوستی برای او و دشمنی بر مخالفان اوست و اعمال برای خشنودی او صورت می‌گیرد [۳۶].

و نیز می‌گفتند در میان سخنان پیغمبر و صحابه و تابعین و پیشوایان پیرو آنان نیامده که دلائل و مسائل اصول دین به جوهر و جسم و متحیز و عرض و مانند این کلمات بستگی داشته باشد و متکلمان خود در مفهوم این الفاظ [صفحه ۲۷۰] اختلاف دارند. [۳۷].

آنان ورود علوم یونانی را مطابق میل خود در داستان خاصی در آوردند که سیوطی آن را بدین گونه نقل کرده است: شیخ ابوالفتح نصر بن ابراهیم شافعی فقیه در کتاب «الحجۃ علی تارک المحجه» در مورد چنگ زدن مسلمانان به علوم بیگانگان چنین می‌گوید: چون عمال و اصحاب ولایت بنی‌امیه عرب بودند در اسلام بدعتی پدید نیاوردند و نوبت خلافت به بنی‌عباس که رسید ریاست و دولت به دست ایرانیان افتاد و بیشتر روسای آنان کفر به اسلام و بغض به عرب را در دل داشتند و حوادثی را بوجود آوردند تا به نابودی اسلام بینجامد و اگر نه این بود که خداوند تبارک و تعالی به پیغمبر خود وعده داده که دین او و اهل ملت او را تا روز قیامت آشکارا نگه دارد آنان خط بطلان بر اسلام کشیده بودند و خداوند وعده خود را به انجام می‌رساند ان شاء الله. نخستین حوادثی که آنان احداث نمودند آوردن کتابهای یونانیان به سرزمین اسلام و ترجمه‌ی آنها به عربی و شیوع دادن محتوای آن به میان مسلمانان است و سبب آوردن آن کتابها از سرزمین روم به بلاد اسلام یحیی بن خالد بن برمک بوده است و این چنان بود که پادشاه روم که کتابهای یونانی بسیاری در دسترس بزرگان‌شان بود ترسید که اگر مردم آن سرزمین توغل بسیار در آن کتب کنند از دین نصرانی برگردند و به مذاهب یونانی روی آورند و کلمه‌ی آنان مٹشت و جماعتشان متفرق گردد از این روی همه‌ی آن کتابها را در موضعی گرد آورد و دور آن را بنائی از سنگ و [صفحه ۲۷۱] گچ احداث کرد که کسی بدان دست نیابد وقتی ریاست دولت بنی‌عباس به یحیی بن خالد بن برمک رسید که او خود زندیقی بود به او درباره‌ی آن کتابها در روم خبر دادند او هدایای فراوانی را برای پادشاه وقت روم فرستاد و درخواست حاجتی نمود وقتی این هدایای پی در پی افزون گردید پادشاه روم به طریق های خود را گرد آورد و به آنان گفت: این مردی که خدمتگزار عرب است هدایای فراوانی برای من فرستاده و از من درخواست حاجتی ننموده است می‌ترسم در پایان از من حاجتی خواهد که آن بر من دشوار باشد و این اندیشه من را بخود مشغول داشته است. از این جهت این بار به فرستاده یحیی گفت: اگر فرستنده هدایا حاجتی دارد بخواهد. فرستاده خبر را به یحیی رسانید و یحیی در پاسخ گفت: حاجت من همان کتاب هائی است که در زیر بنا محبوس است اگر آنها را نزد من فرستد برخی از آنچه که بدان نیاز دارم برمی‌دارم و سپس آنها را به او برمی‌گردانم. پادشاه روم چون نامه را خواند بسیار شادمان شد و بطریق‌ها و اسقف‌ها و رهبانان را جمع کرد و گفت به شما گفتم که این خدمتگزار عرب حاجتی داشته است و اکنون حاجت خود را آشکار ساخته و آن حاجت برای من از سبک‌ترین حاجت‌ها است و من درباره‌ی آن تصمیمی گرفته‌ام اگر شما بدان رضایت دادید آن را اجرا می‌کنم و اگر مخالف بودید با هم مشاورت می‌کنیم تا اتفاق کلمه داشته باشیم. آنان گفتند رای شما بر چیست؟ او گفت ما می‌دانیم اسلاف ما

که کتابها را در بنائی پنهان کرده‌اند از ترس این بوده که مبدا در دست مسیحیان بیفتد و آنها را بخوانند و به وسیله‌ی آن دینشان تباه و جماعتشان پراکنده گردد و من بدین رای هستم که کتابها را برای او بفرستم و از او [صفحه ۲۷۲] بخواهم که آنها را بر نگرداند تا آنان بدان کتابها مبتلا گردند و ما از شر آن کتابها رها شویم زیرا هیچ بعید بنظر نمی‌آید که بعد از من کسی جسارت بورزد و کتابها را در دسترس مردم بگذارد و مردم در آنچه که از آن ترسیده می‌شد بیفتند. آنان گفتند ای پادشاه اندیشه خوبی است آن را به اجرا درآور. او کتابها را برای یحیی بن خالد فرستاد و وقتی کتابها رسید زندیقان و فیلسوفان را برای دیدن کتابها گرد آورد و از کتاب هائی که از میان آنها بیرون آوردند کتاب «حد المنطق» بود که به قول ابن ابی زید کمتر کسی به این کتاب نظر افکنده و از زندقه برکنار مانده است [۳۸]. این داستان مطابقت دارد با آنچه که معروف است که مامون فرستاده‌ای را به سوی حاکم سیسیل که مسیحی بود فرستاد و از او خواست که کتابخانه‌ی سیسیل را که از کتابهای فلسفی و علمی غنی بود نزد او بفرستد حاکم اعیان دولت را جمع کرد و درخواست مامون را با آنان در میان گذاشت مطران بزرگ به او گفت: کتابها را به سوی او بفرست که سوگند به خدا این علوم به هر کشوری که داخل شد مردم آنجا را فاسد کرد. حاکم این گفته را استوار داشت و بدان عمل کرد [۳۹]. در اینجا مجال آن نیست که به تحلیل رد و نقض های کتابهای فلسفی و تکفیر و تفسیق فیلسوفان پردازیم و با جمال می گوئیم که برخی از اهل سنت حتی تحمل نام فیلسوف اسلام را هم برای بزرگان فلسفه نمی‌کردند می گویند وقتی از یعقوب بن اسحق کندی تعبیر به «فیلسوف الاسلام» می‌شد آنان می‌گفتند: یعنی فیلسوفی که در اسلام بوده است و گرنه فلاسفه مسلمان [صفحه ۲۷۳] نیستند چنانکه در برابر یکی از قاضیان بزرگ گفته شد ابن سینا از فلاسفه اسلام است او گفت اسلام فیلسوف ندارد [۴۰].

### انزجار و احتراز از زبان و کلمات یونانی

به موازات جبهه گیری در برابر علوم یونانی و محتوای کتابهای ترجمه شده، زبان و کلمات یونانی که فقط عامل انتقال معانی و مفاهیم بودند مورد بغض و نفرت قرار گرفت و این امر گذشته از اینکه معلول اثر محتوی در قالب است به دو نکته‌ی مهم که فقط مربوط به زبان می‌شود بستگی پیدا می‌کند: یکی روشن و رسا نبودن عبارات ترجمه شده و دیگری دشواری فهم کلمات نا مانوس یونانی. در مورد اول باید اذعان کرد که بسیاری از مترجمان خود تسلط به علمی که کتاب مربوط به آن را ترجمه می‌کردند نداشتند از این روی عبارات نامفهوم و نارسا به نظر می‌آمد مولفان رسائل اخوان الصفا می‌گویند: فرفوریوس صوری کتابی ساخت و آن را ایساغوجی یعنی مدخل به صناعت منطق فلسفی نام نهاد ولی از جهت آنکه آنان خطب را در آن طولانی کرده‌اند و کسانی آن کتاب را از زبانی به بان دیگر نقل کرده‌اند که آگاه به زبان و معانی مفاهیم نبوده‌اند فهم معانی آن کتاب بر خوانندگان و دریافت آن بر دانشجویان دشوار گشته است [۴۱]. دانشمند دیگری در همین گونه موارد چنین گوید: ما جماعت متکلمان در کتابهای منطقی نظر افکنیم و از آن جز الفاظ [صفحه ۲۷۴] مغلق و القاب چیزی به دست نیاوردیم و اگر ارباب این کتابها به آنچه که موافق حق است دست یافته بودند می‌باید طریقی برای روشن ساختن آن ارائه دهند و کتابی واحد یافت شود که با داشتن آن از کتابهای دیگر برای گشودن دشواری‌ها بی‌نیاز شویم [۴۲]. در مورد دوم که افراط و مبالغه در بکار بردن کلمات و الفاظ یونانی است نمونه‌هائی از آن را یاد می‌کنیم: نام علوم: علوم فلسفی چهار نوع است: اول ارثماطیقی که شناخت ماهیت عدد است، دوم: جومطریا که آن هندسه است، سوم: اسطرنومیا که آن نجوم است، چهارم: موسیقی [۴۳]. نام کتابها: کتابهای ارسطو با این نام‌ها یاد گردیده قاطیغوریاس مقولات، باری ارمیناس عبارت، انالوطیقای اول تحلیل قیاس، انالوطیقای دوم برهان، طویقا جدل، سوفسطیقا صناعت مغالطان، ریطوریکا خطابه، بوطیقا شعرا [۴۴]. نام جانوران: یوحنا بن بطریق در ترجمه کتاب ارسطو می‌گوید برخی از جانوران دارای خزف نرم هستند مانند جانورانی که سولناس و مواس و قنخا خوانده می‌شوند و آن جانوری که مردم آن را غلاقاس

گویند و برخی دارای خذف خشن هستند مانند لمنسطریا و پنا و انواعی از جانوران که قنخا و قیرو قاس نامیده می‌شوند [۴۵]. [صفحه ۲۷۵] اصطلاحات علوم: اسحق بن حنین در ترجمه منطق ارسطو می‌گوید مقدمه افود قطیقه که برهانیه است، انسطاسیس که مقدمه‌ای ضد مقدمه‌ای دیگر است، ایقوس و علامت که یک چیز نیستند، انتومیا که قیاس مرکب است [۴۶]. حبیش در ترجمه‌ی کتاب آزمایش پزشکی جالینوس می‌گوید که قیاس بر دو نوع است: یکی انالوجسموس و دیگری ایبلوجسموس آن که به ایبلوجسموس نام دارد قیاس بر اشیاء ظاهره یا قیاس ظاهر بر ظاهر است و آن که نالوجسموس خوانده می‌شود قیاس بر اشیاء خفیه یا قیاس ظاهر بر خفی است [۴۷] گاهی کلمات به صورت‌های مختلف بکار برده می‌شد مثلا از قیاس به سولوجسموس **Syllogism** تعبیر می‌شد در حالی که در بسیاری از کتابها به صورت سولوقسموس دیده می‌شود [۴۸] و مشتقاتی که از کلمات یونانی می‌ساختند خود دشواری را افزون می‌کرد چنانکه از کلمه‌ی سولوجسموس فعل تسلجس ساخته شده و کلمه «المتسلجسه» به معنی محمول بر قیاس به کار رفته است [۴۹] و نیز گاهی کلمات واحدی به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود مثل سیاست مدن که بصورت «بولیطیا» و «بولیطیوس **Politics**» بکار رفته است [۵۰] تحریف و تصحیف کلمات [صفحه ۲۷۶] یونانی در زبان عربی خود مشکل را افزون‌تر می‌کرد چنانکه میرداماد در آثار خود کلمه‌ی «طونیکا» را به جای «طویقا» بکار برده است. [۵۱]. این جریان و سریان کلمات یونانی در زبان عربی تا قریب به زمان ما مشاهده می‌شود چنانکه حاج ملا هادی سبزواری کلمه‌ی «بنطاسیا» را که اصطلاح فلسفی است در بیت زیر بکار برده: فصور مدرکها بنطاسیا لها بجنبه الخیال واقیا و نیز دو اصطلاح پزشکی «کیلوس» و «کیموس» در این بیت او دیده می‌شود: اولها المعدی للکیلوس و الکیدی الثان للکیموس [۵۲]. این غرابت و نامانوسی و دشواری و اشکالات چنان انزجاری به وجود آورد که مردم از هر کلمه‌ای که یونانی بود حتی اسمهای خاص تنفر داشتند. ابوریحان بیرونی می‌گوید از آنجا که منطق به ارسطو منسوب است و برخی از آراء و اعتقادات او با اسلام وفق نمی‌دهد زیرا یونانیان و رومیان در زمان او بت پرست و ستاره پرست بودند اکنون اهل تعصب بدین جهت هر کس که نامش با «سین» ختم می‌شود او را به کفر و الحاد نسبت می‌دهند در حالی که «سین» در زبان آنان در اسم اصلی نیست بلکه همچون رفع است برای مبتدا در زبان عرب [۵۳]. دانشمندان برای رهائی از این شناعت ناچار بودند که الفاظ یونانی را [صفحه ۲۷۷] به الفاظ اسلامی تبدیل کنند ابو الحجاج یوسف بن محمد معروف به ابن طملوس هنگامی که آثار غزالی را در علم منطق نام می‌برد می‌گوید: این کتاب هائی را که ابوحامد تالیف کرده در صناعت منطق است ولی او نامهای کتب و نامهای معانی مورد استعمال در آن را تغییر داده و از بکار بردن الفاظ اهل آن صناعت به کار بردن الفاظی که مالوف نزد فقها و معتاد نزد علمای معاصر اوست روی آورده و این بدان جهت بوده که خود را از رنج و خواری که بر علمای پیش از او در نتیجه بکار بردن الفاظ نامانوس پیش آمد برحذر بدارد [۵۴]. در پایان لازم است یادآوری شود که در برابر آنکه برخی با کلمات یونانی الاصل برخورد غیر علمی داشتند دانشمندانی هم بودند که عالمانه با کلمات یونانی و صرف و نحو آن برخورد می‌کردند برای نمونه عباراتی را که ابونصر فارابی در مورد رابطه غیر زمانی میان موضوع و محمول و فرق میان زبان عربی با زبان فارسی و یونانی در این باب ذکر کرده است یاد می‌کنیم: در همه زبانها مثل فارسی و سریانی و سغدی الفاظی وجود دارد که آن را برای دلالت بر ربط میان «خبر» و «مخبر عنه» بکار می‌برند این الفاظ محمول را به موضوع مرتبط می‌کند هر گاه محمول اسم باشد و یا محمول مرتبط با موضوع شود بدون ذکر زمان، چه اگر مرتبط گردد در زمانی محصل از ماضی و استقبال در آن صورت کلمات وجودیه مانند کان و یکون و سیکون بکار می‌برند و اگر بخواهند بدون تصریح به زمان محمول را به [صفحه ۲۷۸] موضوع مرتبط سازند لفظی را بکار می‌برند که در فارسی «هست» و در یونانی «استین» و در سغدی «استی» است و این الفاظ در این زبانها از چیزی مشتق نشده‌اند بلکه خود مثالهای نخستین هستند و مصادر و تصاریفی برای آنها نیست ولی اگر بخواهند از آنها مصدری بسازند الفاظ دیگری از آنها بیرون می‌آورند همچنانکه از «انسان» که خود در عربی مثال نخستین است و مصدر تصریفی ندارد مصدر «انسانیت» از آن می‌سازند و در فارسی هم اگر بخواهند از «هست» مصدری بسازند



«هستی» گویند. در زبان عربی از آغاز وضع لفظی وجود نداشته که قائم مقام «هست» در فارسی و «استین» در یونانی باشد لذا وقتی که فلسفه به زبان عربی منتقل شد و فیلسوفانی که به زبان عربی تکلم می‌کردند و فلسفه و منطق با زبان عرب بیان می‌داشتند درصدد برآمدند که از کلمه‌ی «هو» به جای «هست» فارسی و «استین» یونانی استفاده کنند زیرا لفظ «هو» در عربی گاهی بعنوان کنایه (ضمیر) بکار برده شود مثل «هو یفعل» و «هو فعل» و گاهی بعنوان ربط استعمال می‌شود مانند: «هذا هو زید» و «هذا هو المتكلم یوم كذا و كذا» که در صورت دوم حالت کنایه ندارد بلکه به جای «هست» فارسی بکار رفته است و از همین لفظ مصدر «هویة» ساخته شده چنانکه از «انسان» «انسانیت» و از «رجل» «رجولیت» ساختند و برخی دیگر به جای «هو» از «موجود» استفاده کردند که خود مشتق و دارای صرف است و به جای «هویة» «وجود» را قرار دادند یعنی موجود را درد و موضع بکار بردند یکی آنکه دلالت بر همه اشیاء کند و دیگر آنکه در جایی که قصد ذکر زمان نیست محمول را به موضوع پیوند دهد و «هست» فارسی و «استین» یونانی در هر دو موضع بکار می‌رود بنابراین وجود را در عربی در [صفحه ۲۷۹] همان جایی بکار بردند که «هستی» فارسی بکار برده می‌شد و کلمات «وجد» و «یوجد» و «سیوجد» را به جای «کان» و «یکون» و «سیکون» استعمال کردند [۵۵].

## اعتذار

اگر پراکندگی و عدم انسجام در این گفتار مشاهده می‌شود نه بدان جهت است که راقم سطور در گردآوری مطالب برای عرضه داشتن در این مجلس شریف اهمال کرده است بلکه معلول آنست که فقط یک هفته وقت داشته تا این مقاله را فراهم کند تا به هنگام برگزاری کنگره آماده باشد بنابراین از دانشمندان گرامی انتظار دارد که با عین عنایت و رضا در آن بنگرند و از عیوب آن چشم پوشند که: و عین الرضا عن کل عیب کلیلة ولكن عین الخط تبدی المساویا السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته تهران، ششم تیر ماه ۱۳۶۵ مهدی محقق

## پاورقی

[۱] شعر دعبل بن علی الخزاعی، صنعۃ الدكتور عبدالکریم الاشر (دمشق ۱۴۰۳ الطبعة الثانية)، ص ۱۳۵. به نقل از مجمع الآداب فی معجم اللقباب ابن الفوطی که در همین ماخذ آمده که این ابیات نخستین قصیده‌ای است که دعبل درباره‌ی حضرت امام رضا علیه السلام سروده است. [۲] تاریخ الاثمه، ابو الثلج البغدادی، جزء اول از «مجموعه نفیسه حاویه لرسائل شریفه» مصدر به مقدمه‌ی آیه الله شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی در رمضان ۱۳۹۶ هجری قمری (قم مکتبه بصیرتی بدون تاریخ) ص ۱۲۷ - ۱۲۵. [۳] معجم الانساب و الاسرات الحاكمة فی التاريخ الاسلامی للمستشرق زامباور (قاهره مطبعة جامعة فواد الاول ۱۹۵۱ م)، ص ۳ - ۲. [۴] سورة الزمر ۳۹ / آیه ۹. [۵] الجامع الصغیر، سیوطی (قاهره ۱۳۲۵ ه. ق.)، ج ۱ ص ۱۴۳. [۶] التنبیه و الاشراف، مسعودی (بغداد ۱۳۵۷ ه. ق.)، ص ۱۰۵. [۷] طبقات الاطباء و الحكماء، ابن جلیجل (قاهره ۱۹۵۵ م)، ص ۵۱. [۸] فهرست، ابن ندیم (تهران ۱۳۹۳ ه. ق.)، ص ۳۰۳. [۹] عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ابن ابی اصیبعه (بیروت ۱۹۶۵ م)، ص ۲۳۲. [۱۰] فهرست، ص ۳۰۴. [۱۱] فهرست، ص ۳۰۵ - ۳۰۴. [۱۲] عصر المامون، احمد فرید رفاعی (قاهره ۱۳۴۶ ه. ق.)، ص ۳۸۰ - ۳۷۹. [۱۳] الغیث المسجم فی شرح لامیة العجم، صفدی (بیروت ۱۳۹۵ ه. ق.)، ج ۱ ص ۷۹ کلمه‌ی «اصلاح» همانست که امروز مترجمان آن را «ویراستاری» می‌گویند. [۱۴] عصر المامون، ج ۱ ص ۳۷۵. [۱۵] عیون الانباء، ص ۱۸۷ و طبقات الاطباء و الحكماء ص ۶۴. [۱۶] عیون الانباء، ص ۳۴۶ و طبقات الاطباء و الحكماء، ص ۶۵. [۱۷] صالح بن بهله الهندی طیبی است نامدار از اطباء هارون الرشید معالجات بر قوانین اطباء هند نمودی. تاریخ الحكماء، قفطی (ترجمه‌ی فارسی تهران ۱۳۴۷ ه. ش.)، ص ۲۹۹. [۱۸] نقل به اختصار از الرسالة الذهبیة المعروفة به طب الامام الرضا علیه السلام علیه السلام تحقیق محمد مهدی نجف (مطبعة الخیام، قم ۱۴۰۲). [۱۹] کلمه‌ی ترجمان را

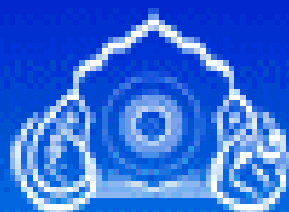
برخی از اهل لغت معرب ترزقان مساوی تر زبان دانسته‌اند، مقدمه ترجمان القرآن جرجانی به ترتیب عادل (تهران ۱۳۳۷ ه. ش.) و این درست نیست زیرا این کلمه از ریشه عبری «ترگوم» به معنی توضیح دادن و تفسیر کردن آمده و مسعودی می‌گوید: «اسرائیلیان را در عراق زبانی سریانی معروف به ترجمان است که تورات را از زبان عبرانی نخستین تفسیر می‌کنند» التنبيه والاشراف، ص ۶۹. [۲۰] مقصود خلیل بن احمد فراهیدی که واضع علم عروض است. [۲۱] طبقات الاطباء، ابن جلجل، ص ۱۶۹. [۲۲] این رساله به وسیله راقم سطور به زبان فارسی ترجمه شده و در کتاب «بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی کلامی و فرق اسلامی» (تهران ۱۳۵۵ ه. ش.) ص ۴۱۶ - ۳۶۸ چاپ شده است. [۲۳] بیست گفتار، ص ۴۱۱. [۲۴] بیست گفتار، ص ۳۷۱. [۲۵] بیست گفتار، ص ۳۷۶. [۲۶] بیست گفتار، ص ۳۸۲. [۲۷] بیست گفتار، ص ۴۱۲. [۲۸] بیست گفتار، ص ۴۰۸. [۲۹] بیست گفتار، ص ۳۷۷. [۳۰] بیست گفتار، ص ۳۸۲. [۳۱] بیست گفتار، ص ۳۹۷. [۳۲] تعلیم پزشکی در بلاد اسلامی از قرن هفتم تا چهاردهم میلادی، گری لیزر، مجله تاریخ طب، ج ۳۸ سال ۱۹۸۳، ص ۴۹. [۳۳] کتاب البخلاء، جاحظ (قاهره، دائرة المعارف)، ص ۱۰۲. [۳۴] مروج الذهب، مسعودی (بیروت ۱۹۷۰ م)، ج ۳، ص ۲۲۵. [۳۵] الطب النبوی، حافظ ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبی (بیروت ۱۴۰۴ ه. ق.)، ص ۲۲۸. [۳۶] موافقه صحیح المنقول لصریح المعقول، ابن تیمیه (بیروت ۱۹۸۵ م) ج ۱، ص ۱۷۲. [۳۷] مأخذ پیشین، ج ۱، ص ۵۵. [۳۸] سیوطی، صون المنطق و الکلام عن المنطق و الکلام (قاهره ۱۳۶۶ ه. ق.)، ص ۷ و ۸. [۳۹] عصر المامون، ج ۱، ص ۳۷۵. [۴۰] صون المنطق و الکلام، ص ۲۸۸. [۴۱] رسائل اخوان الصفا (بیروت ۱۹۵۷)، ج ۱، ص ۲۶۹. [۴۲] الاعلام بمناب الاسلام، ابوالحسن عامری نیشابوری (قاهره ۱۳۸۷ ه. ق.)، ص ۹۳. [۴۳] رسائل اخوان الصفا، ج ۱، ص ۲۶۶. [۴۴] فهرست، ابن ندیم، ص ۳۰۸. [۴۵] طباع الحيوان، ارسطو (کویت ۱۹۷۷ م)، ص ۱۶۷. [۴۶] منطق ارسطو (قاهره ۱۹۴۸)، ج ۱ صفحات ۳۰۲، ۳۰۱، ۲۹۹، ۱۰۵. [۴۷] التجربة الطبیة، جالینوس (اکسفورد ۱۹۴۴)، ص ۵۸ و ۶۶. [۴۸] منطق ارسطو، ج ۳، ص ۹۹۳. [۴۹] منطق ارسطو، ج ۳، ص ۷۸۶. [۵۰] التنبيه والاشراف، مسعودی، ص ۶۸، عیون الانباء، ابن ابی اصیبعه، ص ۱۴۷. گاهی این اختلاف مربوط به حالت صرفی کلمه در یونانی بوده مثلاً در کتابهای عربی زادگاه جالینوس گاهی «فرغامس» و گاهی «فرغانم» آمده است که اولی حالت فاعلی و دومی حالت مفعولی در یونانی است. رجوع شود به ص ۲۹۵ فیلسوف ری محمد زکریای رازی تألیف راقم سطور. [۵۱] قبسات، میرداماد (تهران ۱۳۵۵ ه. ش.)، ص ۲۵. [۵۲] شرح غرر الفرائد معروف به شرح منظومه حکمت (چاپ ناصری)، ص ۲۸۶ و ۲۹۰. [۵۳] تحدید نهایات الاماکن، بیرونی (انقره ۱۹۶۱ م)، ص ۹. [۵۴] المدخل الی صناعة المنطق، ابن طموس (مادرید ۱۹۱۶)، ص ۱۳. [۵۵] کتاب الحروف، فارابی (بیروت ۱۹۶۹)، ص ۱۱۳.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشرف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب

از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن

بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

